

اولویت بندی صنایع تبدیلی و تکمیلی خرما در دهستانهای شهرستان آبادان

محسن شایان

دانشجوی دکتری گروه جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران (نویسنده مسئول)

محمود میری

کارشناسی ارشد گروه جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

چکیده

پیدایش فرصتهای جدید به منظور توسعه محلی و منطقه ای در گرو استفاده از ابزار مهم توسعه صنعتی است. صنایع تبدیلی و تکمیلی از عوامل مؤثر در توسعه کشاورزی و روستایی و همچنین ایجاد اشتغال پایدار، کاهش ضایعات محصولات کشاورزی و نهایتاً امنیت غذایی است. توسعه این صنایع در روستاها با توجه به امکانات موجود می تواند نقش مؤثری در توسعه روستایی داشته باشد. هدف این پژوهش انتخاب بهترین مکان بهینه برای ایجاد صنایع تبدیلی و تکمیلی در بین دهستانهای شهرستان آبادان می باشد. پژوهش حاضر از نوع توصیفی - تحلیلی می باشد. برای انتخاب نمونه در جامعه آماری از خانوارهای دهستانهای آبادان از روش نمونه ای تصادفی با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۲۰۶ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب شده است. در جامعه آماری کارشناسان کشاورزی نیز از روش نمونه برداری تصادفی حجم نمونه ای به تعداد ۳۰ نفر انتخاب شده است. در تجزیه و تحلیل اطلاعات از مدل AHP و آزمون تی تست استفاده شده است. نتایج پژوهش بر طبق مدل AHP نشان می دهد که دهستان بهمشیر شمالی با نسبت ۰/۱۹۹ از اهمیت بیشتری نسبت به سایر عوامل برخوردار بوده و در مقابل دهستان شلاهی با نسبت ۰/۱۳۹ از کمترین اولویت برخوردار می باشد. همچنین بر طبق آزمون تی تست تأثیر ایجاد صنایع تبدیلی خرما بر توسعه روستایی در منطقه مورد مطالعه از نظر کشاورزان مورد مطالعه در حد بالاتر از متوسط ارزیابی شد.

واژگان کلیدی: "اولویت بندی"، "صنایع تبدیلی و تکمیلی"، "خرما"، "مدل AHP"، "شهرستان آبادان"

مقدمه

امروزه توسعه روستایی یکی از مباحث مهم در توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورها، خصوصاً در کشورهای جهان سوم به شمار می رود. وجود منابع سرمایه گذاری در شهرها، جاذبه های شهری، تفاوت شدید بین تقاضای نیروی کار در بین شهر و روستا، و عدم جذب نیروی انسانی در روستاها سبب شده است تا شهرها تبدیل به قطب های توسعه شوند و دوگانگی شدیدی بین سطوح درآمد، آموزش، رفاه، اشتغال و غیره بین شهر و روستا به وجود بیاید. صنایع روستایی از یکسو به واسطه نقش و جایگاه انکار ناپذیرشان در ایجاد اشتغال مفید و مؤثر در نواحی روستایی و از سوی دیگر به دلیل پیوند تنگاتنگ با بخش کشاورزی و خدمات نه تنها نقش بسزایی در توسعه روستایی در مقیاس محلی دارند، بلکه در مقیاس کلان و از تولید ملی نیز می تواند سهم قابل قبولی را نصیب نواحی روستایی بسازد (نادری مهدی و همکاران، ۱۳۹۳: ۴۴).

صنعتی سازی روستایی راهبردی است که ابزارهای مناسب برای متنوع سازی اقتصاد روستایی را فراهم می آورد و از اینرو، رویکردی اقتصادی به شمار می رود که با ایجاد اشتغال و افزایش و توزیع متعادل تر درآمدها، سطح زندگی روستاییان را بهبود بخشیده، زمینه دستیابی به توسعه پایدار روستایی را فراهم می سازد (بالالی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۵۰). از این رو ایجاد و توسعه صنایع روستایی در پی عدم توانایی بخش کشاورزی نسبت به تامین اشتغال کامل و بهینه نیروی انسانی، محدودیت منابع آب و خاک، کوچک بودن اراضی و ... موجب ایجاد دگرگونی های بنیادی در ساخت اقتصادی و اجتماعی بخش روستایی خواهد شد (پور رمضان و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۰۲). از آنجایی که صنایع روستایی بین بخش کشاورزی و صنعت ارتباط برقرار می کنند و در ایجاد توان لازم بین جوامع شهری و روستایی مؤثر می باشند، لازم است امکان سنجی صنایع تبدیلی و تکمیلی و استقرار صنعت در جوامع روستایی، هرچه بیشتر و بابرنامه ریزی آگاهانه در اقتصاد کشور تحقق یابد (مهدوی و همکاران، ۱۳۸۹: ۸۰). تبیین جایگاه صنایع تبدیلی و تکمیلی در بخش کشاورزی در کشور ما به دلیل مقتضیات جهانی، حضور در بازارهای منطقه‌ای و بین‌المللی و پیوستن به سازمان تجارت جهانی روز به روز ضرورتر می شود. البته نباید از نظر دور داشت که توسعه اقتصادی در هر سرزمین وابسته به کارایی تلفیق و ترکیب بهینه بین بخشهای اقتصادی (کشاورزی، صنعت و خدمات) میباشد (خواجه شاکوهی و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۶). صنایع تبدیلی و تکمیلی در جهت کمک به کاهش ضایعات محصولات کشاورزی، افزایش ارزش افزوده، افزایش بهره وری بخش کشاورزی، ایجاد اشتغال پایدار، کمک به افزایش صادرات غیرنفتی، دستیابی به امنیت غذایی و به طور کلی توسعه پایدار بخش کشاورزی، نقش و تاثیر بسیاری دارد (حاتمی فرد، ۱۳۹۰: ۴۱۳). در ایران، توسعه صنعتی نه تنها هیچ نسبتی با روندی که در دنیا صورت می گیرد ندارد بلکه موجب غفلت از ارتباط آن با بخش کشاورزی نیز شده است. این غفلت علاوه بر آثار سوء اقتصادی - اجتماعی که در پی داشته امنیت اجتماعی و اقتصادی را نیز به مخاطره انداخته است. صنعتی شدن روستا و گسترش فعالیت های غیر کشاورزی عاملی مهم در افزایش رفاه، تأمین کالاها و خدمات ضروری برای خانواده های فقیر روستایی است. تأثیرات و نفوذ صنعت در مناطق روستایی، ضمن ایجاد اشتغال و اقتصادی فعال نقش مهمی در امنیت غذایی روستاییان بر عهده دارد (اقبالی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲). شهرستان آبادان ۱۸۰۰۰ هکتار اراضی کشاورزی دارد (جهاد کشاورزی شهرستان آبادان، ۱۳۹۵). از لحاظ ترکیب اراضی کشاورزی، اراضی زراعی و باغی شهرستان آبادان از هم مجزا نمی باشد و فعالیت های زراعی زیر درخت های خرما و در سایه ی آن و بصورت محدود بعمل می آید. در کنار اراضی آبرفتی و حاصلخیز حاشیه رودخانه ها و رودهای پر آب این منطقه را مستعد رونق فراوان نموده است. شهرستان آبادان دارای ۳

میلیون اصله درخت خرما میباشد، به گونه ای که بیشتر روستاییان شهرستان نیمی از درآمد خود را از راه تولید و فروش این محصول بدست می آورند. اما بدلیل مشکلات بازاریابی یا وجود واسطه ها و نبود صنایع بسته بندی، تبدیلی و تکمیلی در جوار مراکز تولید بخش قابل توجهی از این محصول به هدر می رود. بنابراین ایجاد و توسعه صنعت فرآوری خرما می تواند راهکاری مناسب جهت جلوگیری از ضایعات و ایجاد اشتغال و درآمد روستاییان و همچنین افقی جهت توسعه پایدار روستایی شهرستان آبادان گردد (جهاد کشاورزی شهرستان آبادان، ۱۳۹۵). از این رو تحقیق حاضر درصدد پاسخ به این سؤالات است. چه محدودیتهای و موانعی جهت ایجاد صنایع تبدیلی و تکمیلی خرما در شهرستان وجود دارد؟ بهترین مکان برای استقرار صنایع تبدیلی و تکمیلی خرما در شهرستان کجاست؟

در رابطه با صنایع تبدیلی و تکمیلی مطالعاتی گوناگونی صورت پذیرفته است که به عنوان نمونه چند نمونه در زیر ذکر گردیده است:

اکبرپور و همکاران (۱۳۹۴) در مطالعه ای با عنوان نقش کشاورزی مستعد در ایجاد صنایع خرد، تبدیلی و تکمیلی در راستای توسعه پایدار شهر روانسر به این نتیجه رسیده اند که عرضه محصولات کشاورزی قابل اتکا برای صنایع تبدیلی را در شکل گیری و گسترش آنها موثر بوده است و رابطه معنی داری وجود دارد اما با این وجود تحولات اقتصادی شهر عمدتاً در راستای بخش خدمات و بی ارتباط با بخش کشاورزی و صنعت بوده، و موجب عدم تعادل و توازن در فضای اقتصادی شهر روانسر و حوزه نفوذ آن شده است. شکور و کریمی (۱۳۹۴) در مقاله ای تحت عنوان اولویت بندی استقرار صنایع روستایی در شهرستان مرودشت با استفاده از شاخص مرکزیت و مدل AHP پرداختند. در ابتدا با استفاده از مدل مرکزیت و ضریب مکانی، آبادی شهرستان مرودشت را که در سطح ۱۳ دهستان پراکنده اند، از نظر میزان مرکزیت و برخورداری از خدمات رتبه بندی کرده. بر اساس نتایج حاصل از مدل های مورد استفاده، ۱۳ روستای مورد انتخاب به عنوان سرچشمه های منتخب برای به کارگیری مدل AHP انتخاب شدند. بعد از انتخاب گزینه ها و تدوین متغیرها و زیر متغیرها، از بین سیزده سایت منتخب، روستای فتح آباد سفلا با امتیاز نهایی به عنوان مساعدترین سایت برای استقرار صنایع روستایی انتخاب شد. ظاهری و همکاران، (۱۳۹۴)، به اولویت بندی صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی در شهرستان آذر شهر با روش ترکیبی دلفی و تاپسیس پرداخته و به این نتیجه رسیده اند که در شهرستان آذر شهر بایستی صنایع مرتبط با فرآوری محصولات لبنی به دلیل مزاد تولید بیش تر و نیز مشکل فسادپذیری سریع این محصولات و پس از آن صنایع تبدیلی و تکمیلی مرتبط با محصولات باغی به دلیل نقش پر اهمیت آن ها در استفاده بهینه از محصولات کشاورزی تولیدی منطقه در اولویت قرار گیرند.

ریچارد آمپادو- آمیاوا و رز عمری^۱ (۲۰۱۵) در مقاله ای تحت عنوان "فعالیت های کارآفرینانه در زمینه صنایع تبدیلی تکمیلی محصولات کشاورزی روستایی در غنا: وضعیت، و فرصت های معیشتی زنان"، به شناسایی نیازها و گزینه های پیش روی زنان در این حوزه پرداخته و این گونه نتیجه گیری می کنند که اگرچه زنان روستایی کارآفرینان فرصت هایی برای توسعه تولید خود و نفوذ به بازارهای موجود (داخلی و بین المللی) دارند اما موانعی در سر راه آنها وجود دارد که باید در جهت رشد و توسعه کارآفرینی میکروی روستایی و آنها را برطرف نمود تا معیشت روستایی بهبود یابد. جورج میناکشی (۲۰۱۵) در پژوهش خود تحت عنوان "صنایع تبدیلی تکمیلی در سناریوی تغییر یافته جهانی سازی - یک فرصت خاموش اما

^۱ Richard Ampado-Amiawa and Rose Omari

قدرتمند" با بررسی چالش‌های در حال ظهور در مسیر این صنایع و استراتژی‌های مقابله با آن‌ها، بیان می‌کند که توسعه اقتصادی ضمن ایجاد برخی تغییرات ساختاری عمده، منجر به کاهش اهمیت بخش اولیه و به‌موجب آن، افزایش اهمیت بخش غیر کشاورزی شد که این تغییرات باعث ایجاد بخش نوظهور تکمیلی و تبدیلی محصولات کشاورزی شده است. آوسو و همکاران (۲۰۱۱) طی مطالعه‌ای با عنوان کار غیر زراعی و امنیت غذایی در میان خانوار زارع شمال غنا، به این نتیجه دست یافتند که مشارکت در فعالیتهای غیر زراعی، دارای اثرات مثبت بر درآمد، امنیت غذایی و تسکین فقر در نواحی روستایی کشورهای در حال توسعه است. شارما و همکاران^۲ (۲۰۱۱) به این نتیجه رسیدند که صنایع تبدیلی کشاورزی می‌تواند موجب ارزش افزوده گردد که البته مقدار ارزش افزوده از محصولی به محصول دیگر و از صنعتی به صنعت دیگر فرق می‌کند.

مبانی نظری:

اولویت مهمی که در تجدید ساختار اقتصادی جوامع روستایی از طریق اتخاذ استراتژی جدید توسعه روستایی پیشنهاد شده، ترکیب مناسبی از فعالیت‌های کشاورزی و غیر کشاورزی به ویژه صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی است. در این خصوص گفته شده که صنایع تبدیلی صنایعی هستند متکی بر انواع فرآورده‌ها و محصولات تولیدی کشاورزی و هر فرآورده یا محصول کشاورزی نیز به واحدهایی اطلاق می‌شود که به فرآوری مواد نباتی یا حیوانی می‌پردازد. فرآوری نیز در برگزیده تغییر شکل و حفاظت از طریق تغییرات فیزیکی و شیمیایی، ذخیره سازی، بسته بندی و توزیع است (ظاهری و همکاران ۱۳۹۴: ۲۴۴). ایجاد و توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی محصول خرما با توجه به تاثیر آن در اشتغال زایی و فقرزدایی، کاهش ضایعات، بالابردن بهره‌وری و ارزش افزوده توسعه صادرات و ارزآوری و توسعه پایدار مناطق روستایی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (احمدی زاده و مستعان، ۱۳۹۶: ۱۸۴). صنعتی سازی روستایی، به عنوان، فرآیندی که ابزارهای مناسب برای متنوع سازی اقتصاد روستایی فراهم می‌آورد رویکردی اقتصادی است که با ایجاد اشتغال و افزایش درآمد و توزیع متعادل تر درآمد، منجر به بهبود سطح زندگی روستاییان و بالطبع زمینه نیل به توسعه پایدار روستایی را فراهم می‌آورد (رحمانیان کوشککی و همکاران، ۱۳۹۵: ۵۶). صنایع روستایی می‌تواند دارای پیامدهای مثبت و منفی متعددی در مقیاس‌های مختلف جغرافیایی باشد که ارزیابی و شناخت آن برای برنامه‌ریزی‌های بعدی در توسعه صنایع روستایی مفید است. لذا شناخت و ارزیابی این پیامدها در ابعاد مختلف فضایی می‌تواند از یکسو گویای میزان اثربخشی این برنامه‌ها و طرح‌ها باشد و جایگاه عملکردی این‌گونه فعالیت‌ها را در راستایی اهداف توسعه محلی و منطقه‌ای نشان دهد و از سوی دیگر، گامی باشد در جهت برنامه‌ریزی و انتظام فضایی نواحی که این فعالیت‌ها در آنجا استقرار یافته‌اند و به‌نوعی از آن‌ها بهره‌مند می‌شوند (Berdegue et al, ۲۰۱۰: ۴۱۲). صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی به صنایعی گفته می‌شود که ارتباط مستقیم و تنگاتنگ با زیر بخش‌های مختلف کشاورزی داشته باشد. به عبارتی صنایع تبدیلی شق دیگری از صنایع روستایی می‌باشد، که این این صنایع متکی بر انواع فرآورده یا محصول کشاورزی و دامی به عنوان ماده اولیه و محصولات تولیدی در روستا می‌باشد (اقبال و همکاران، ۱۳۹۴: ۳). توجه به صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی شکوفایی بخش وسیعی در اقتصاد ملی خواهد شد. اصلی‌ترین دلایل پرداخت به این مهم را می‌توان کمک به توسعه پایدار بخش کشاورزی و دستیابی به امنیت غذایی از طریق فرآوری و نگهداری محصولات کشاورزی، کمک به کاهش ضایعات کشاورزی، ارزش

افزوده بهره وری در بخش کشاورزی، استفاده بهینه از منابع و امکانات موجود در بخش کشاورزی، ایجاد اشتغال پایدار، کمک به افزایش صادرات غیرنفتی، تسهیل در توسعه پایدار روستاها، وجود زمینه های مساعد مشارکت بخش خصوصی در سرمایه گذاری صنایع تبدیلی و تکمیلی برشمرد (موسوی نژاد، ۱۳۹۴: ۲). بطوریکه صنایع تبدیلی کشاورزی شامل همه عملیات از مرحله برداشت تا رسیدن مواد به مصرفکنندگان نهایی در شکل، بسته بندی، کمیت، کیفیت و قیمت مطلوب می باشد (مهتا، ۲۰۱۲: ۸۷) در تعریف دیگر، صنعت فرآوری کشاورزی، ابزار تغییر شکل دادن محصولات اصلی کشاورزی، جنگلی و شیلات است (فائو، ۲۰۱۱: ۳۳).

مکان یابی صنعتی تصمیمی بسیار پیچیده است و به دامنه وسیعی از معیارها وابسته است. بنابراین می توان مکان یابی را فرایند تصمیم گیری چند معیاره ای دانست که برای اولویت بندی معیارهای مختلف و انتخاب بهترین گزینه از میان گزینه های ممکن، به کار می رود. در واقع می توان با مکان یابی تاثیرات منفی حاصل از ایجاد و بهره برداری از صنایع را به حداقل رساند و گامی مثبت برای توسعه پایدار برداشت (نوری و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۵۰). دیدگاه صنعتی کردن معتقد است که گسترش فعالیتهای غیرکشاورزی و متنوع سازی اقتصاد روستایی می تواند نه تنها عاملی مهم در ارتقای ارزش افزوده بخش کشاورزی باشد بلکه با ایجاد اشتغال و افزایش درآمد و توزیع متعادلتر درآمد، منجر به بهبود سطح زندگی، افزایش رفاه، تأمین کالاها و خدمات ضروری برای خانواده های فقیر روستایی شده و نهایتاً نقش مهمی در توسعه مناطق روستایی را نیز به دنبال داشته باشد. یکی از مهمترین صنایع روستایی، صنایع تبدیلی کشاورزی است. بدون شک ایجاد صنایع تبدیلی یکی از سودمندترین ارتباطات بین دو بخش صنعت و کشاورزی است. تجارب سه دهه گذشته کشورهای آسیایی به ویژه چین، هندوستان و کره جنوبی نشان می دهد که صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی، نقش اساسی در فرآیند توسعه روستایی این کشورها به عهده داشته است (نادری مهدی، ۱۳۹۳: ۴۴). به طوری که در هند، فرآوری کشاورزی به عنوان یک پتانسیل عظیم جهت رشد اقتصادی و اجتماعی مورد توجه قرار گرفته شده است (کاجرو، ۲۰۱۱: ۳۴).

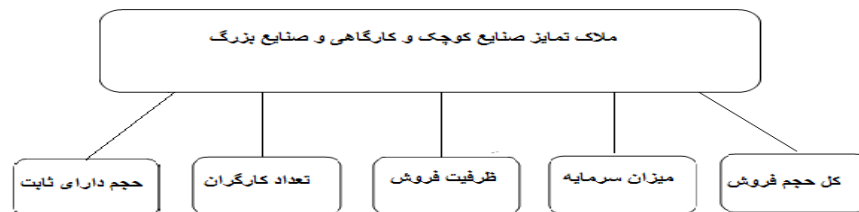
ساختارگرایان معتقدند که دولت باید در تعیین ساختار بخش صنعت نقشی تعیین کننده داشته باشد. نولیبرالیسم، با سیاستهایی که بیشتر به طرف بازار جهت داده شده اند پیوند خورده است. نولیبرالیسم ها معتقد بودند که اگر بازار را کنترل نکنیم و به حال خود بگذاریم، حصول به توسعه اقتصادی سریع تر مهیا می شود. لذا آنان به ادغام در بازارهای جهانی از طریق اتخاذ سیاستهای صادرات تأکید دارند (نادری مهدی و همکاران، ۱۳۹۳: ۴۵). وسانت دیسی معتقد است توسعه متوازن صنعتی با عدالت اجتماعی، توزیع مالکیت و کنترل و رشد غیر متمرکز صنایع همراه است (مهدوی و همکاران، ۱۳۸۹: ۸۴).

به طور کلی نظریه ها و دیدگاه های صنعتی شدن روستا را می توان از دو منظر مورد بحث و بررسی قرار داد:

الف) ایجاد و استقرار صنعت در روستا: این دیدگاه به یک روش برنامه ای منجر می شود و بر این امر تأکید میکند که با توجه به عوامل تولید و وضعیت بازار چه صناعی میتوانند در مناطق روستایی استقرار یابند یا توزیع شوند. هر صنعتی که بتواند در مناطق روستایی استقرار یابد صرف نظر از چگونگی تاثیر آن بر روستائیان جزئی از برنامه استقرار صنعت در مناطق روستایی است (پاپلی یزدی و ابراهیمی، ۱۳۹۰: ۴۵). بر اساس این دیدگاه سه الگو برای کمک به صنعتی شدن مناطق روستایی وجود دارد (رضوانی، ۱۳۹۰: ۶۵).

- احداث کارخانه های بزرگ در نزدیکی روستاها که مواد مورد نیاز خود را از محصولات کشاورزی روستایی در منطقه تأمین می کنند.

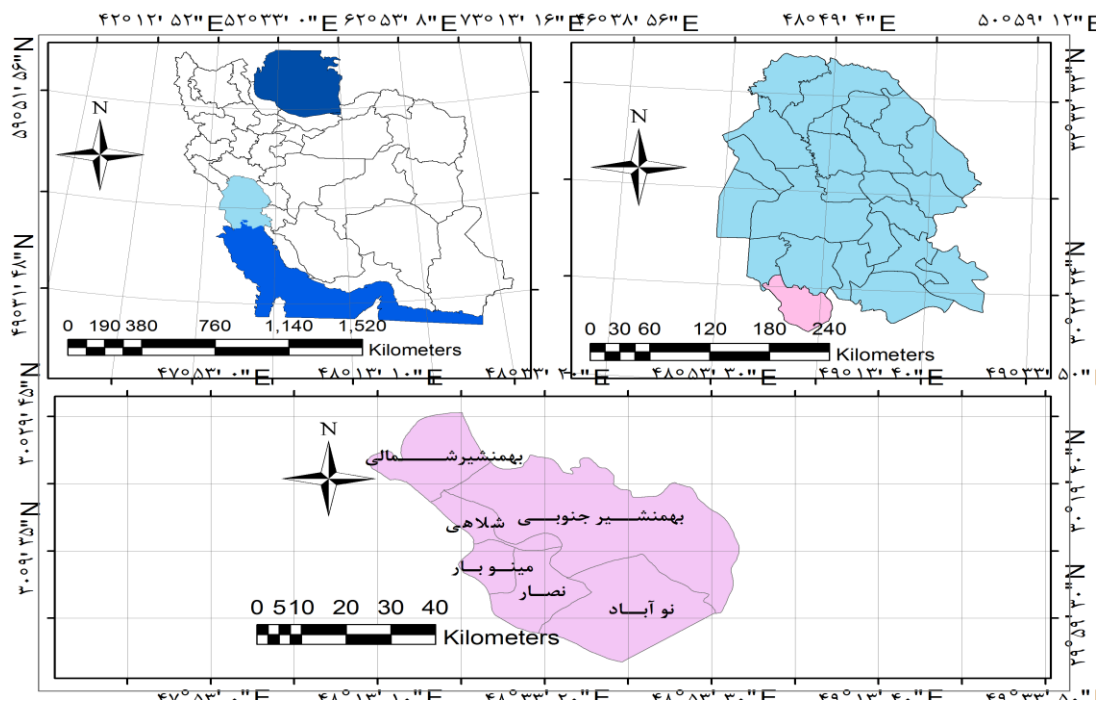
- حفاظت و تشویق صنایع دستی و محصولات صنعت گران محلی
- تشویق به ایجاد واحدهای کوچکی که محصولات کشاورزی را فرآوری نموده و یا برخی از ماشین آلات و نهاده های کشاورزی را تعمیر و یا تولید میکنند.
- (ب) صنعتی سازی روستا: در این دیدگاه مسئله صنعتی سازی روستا هم یک فرایند فرعی و هم وسیله ای برای متنوع کردن اقتصاد روستا تلقی میشود. انعطاف پذیری راهبردهایی که بر اساس نیازهای توسعه جهت داده میشوند نشانه های بارز این دیدگاه هستند. بیشتر کشورهای در حال رشد به منظور استقرار صنعت در مناطق روستایی سه نوع برنامه تدوین کرده اند که به قرار زیر است:
- تأسیس کارخانه های بزرگی که مواد اولیه آنها را محصولات کشاورزی حجیم و فاسد شدنی تشکیل میدهند، مانند کارخانجات قند و شکر، کنسرو میوه و غیره؛
- حفاظت و پیشبرد صنایع دستی و محصولات و صنعتگران محلی؛ و
- تشویق واحدهای کوچکی که محصولات کشاورزی را فرآوری کرده یا انواع نهاده های کشاورزی را فراهم می کنند (مطیعی لنگرودی و نجفی کانی، ۱۳۹۰: ۵۹).



شکل ۱. تفاوت صنایع کوچک - کارگاهی و صنایع بزرگ منبع: میری، ۱۳۹۲

محدوده مورد مطالعه

شهرستان آبادان با مساحتی حدود ۲۷۹۶ کیلومتر مربع در جنوب غربی خوزستان و ۴/۳۶ درصد از مساحت استان را شامل میشود. و در منتهی الیه خلیج فارس واقع است و بلندی آن از سطح دریا ۲ متر است. آبادان بین ۲۹ درجه و ۵۸ دقیقه و ۳۰ درجه و ۲۰ دقیقه عرض شمالی از خط استوا و ۴۸ درجه و ۱۰ دقیقه و ۴۸ درجه و ۵۶ دقیقه طول شرقی از نصف النهار گرینویچ قرار دارد. شهر آبادان از جانب شمال به شهرستان های شادگان و خرمشهر، از شرق به بندرماهشهر و رودخانه بهمنشیر، از جنوب به خلیج فارس و از غرب به مرز ایران و عراق و اروند رود محدود است. شهرستان از دو بخش (مرکزی و اروندکنار) و ۳ شهر (آبادان و اروندکنار و چوئبده) و ۶ دهستان (بهمنشیر جنوبی، بهمنشیر شمالی، شلاهی، مینوبار، نوآباد، نصار) و ۸۱ آبادی تشکیل شده است. جمعیت شهرستان بالغ بر ۲۷۱۴۸۴ نفر میباشد که از این تعداد ۲۲۸۹۰۵ نفر در نقاط شهری آبادان و ۴۲۵۷۹ نفر مناطق روستایی ساکن می باشند (فرمانداری آبادان، ۱۳۹۵).



شکل ۲. موقعیت سیاسی شهرستان آبادان منبع: فرمانداری شهرستان آبادان، ۱۳۹۷ ترسیم: نگارندگان

روش تحقیق

پژوهش حاضر بر اساس هدف کاربردی و بر اساس روش جمع آوری اطلاعات توصیفی - تحلیلی می باشد. در این تحقیق برای انتخاب نمونه در جامعه آماری از خانوارهای دهستانهای آبادان از روش نمونه ای تصادفی با انتخاب شده است. و در جامعه آماری کارشناسان کشاورزی از روش نمونه برداری تمام جامعه ی آماری به صورت تمام سرشماری استفاده شده است. (برای محاسبه حجم نمونه از روش کوکران استفاده شده است). در گروه سرپرستان خانوار از طریق فرمول کوکران تعداد ۲۰۶ بدست آمده و در گروه کارشناسان و مهندسان کشاورزی نیز تعداد ۳۰ نفر می باشد. اطلاعات مورد نیاز این پژوهش از دو روش اسنادی و میدانی بدست آمده است. همچنین گرد آوری اطلاعات از دو روش ترکیبی مصاحبه و مشاهده و تکمیل پرسشنامه بهره جسته است. در تجزیه و تحلیل اطلاعات از مدل AHP. و آزمون تی تست استفاده شده است. همچنین از نرم افزار Excel برای انجام دقیق تر این کار بهره گرفته شده است. برای تهیه نقشه از نرم افزار GIS استفاده شده است. در این پژوهش ۸ متغیر به صورت شرایط جغرافیایی، دسترسی به مواد اولیه، شبکه حمل و نقل، سودآوری اقتصادی، قیمت زمین، دسترسی به منابع انرژی، دسترسی به نیروی کار و دسترسی به بازار به صورت دو به دو باهم مقایسه شده اند.

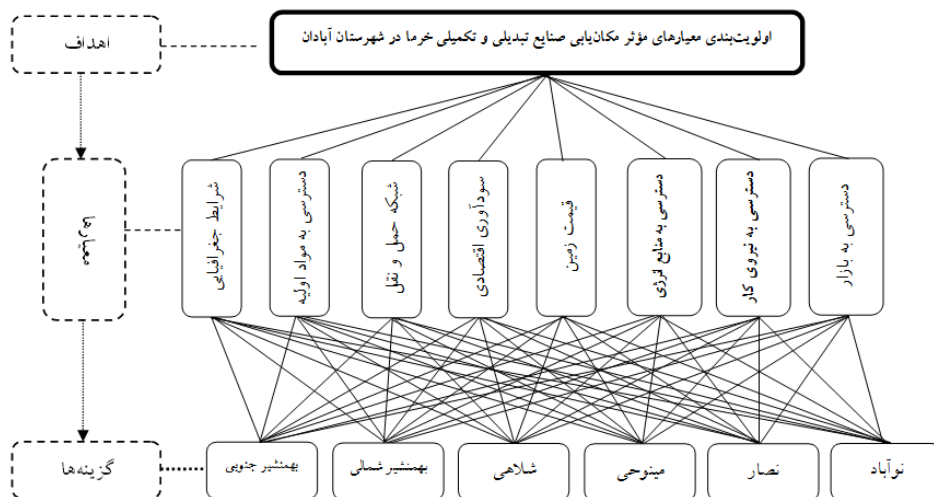
یافته های پژوهش

نحوه استفاده از الگوی تحلیل سلسله مراتبی (AHP)

تبدیل موضوع یا مسئله مورد بررسی به ساختاری سلسله مراتبی مهمترین قسمت فرایند تحلیل سلسله مراتبی است، زیرا در این بخش با تجزیه مسائل پیچیده فرایند تحلیل سلسله مراتبی آنها را به شکل ساده تبدیل می‌کند که با ذهن و طبیعت انسان مطابقت دارد. پس از تعیین اهداف کلی، بیان مقاصد، برنامه‌ریزی و تهیه گزینه‌های مختلف برای رسیدن به اهداف و مقاصد برنامه‌ریزی، ارزیابی صورت می‌گیرد تا براساس شایستگی نسبی هر کدام از گزینه‌ها، گزینه‌ی مطلوب یا بهینه انتخاب شود (زبردست و محمدی، ۱۳۸۴: ۱۶). البته باید تصمیم‌گیری در یک فضای چندبعدی صورت پذیرد، در چنین شرایطی، می‌توان از روش‌های ارزیابی چند معیاره استفاده کرد که در آنها، هرکدام از معیارها محور یا بُعدی جداگانه فرض می‌شوند (توفیق، ۱۳۷۸: ۵۶). برای به کارگیری روش AHP در حل مسئله تصمیم‌گیری، چهار مرحله اساسی به شرح زیر وجود دارد:

ساختن درخت سلسله مراتب تصمیم

هرگاه از AHP به عنوان ابزار تصمیم‌گیری استفاده شود، در آغاز باید یک درخت سلسله مراتب مناسب که بیان‌کننده مسئله مورد مطالعه است، فراهم شود. سلسله مراتب تصمیم، درختی است که با توجه به مسئله تحت بررسی، سطوح متعددی دارد. سطح اول آن بیانگر هدف تصمیم و سطح آخر آن بیان‌کننده گزینه‌هایی است که با یکدیگر مقایسه می‌شوند و برای انتخاب، با یکدیگر در رقابت هستند. سطح میانی این درخت را فاکتورهایی تشکیل می‌دهند که ملاک مقایسه گزینه‌ها به شمار می‌آیند (شکل ۱). در این مرحله ساختار سلسله مراتبی مربوط به موضوع مشخص می‌گردد، این مرحله مهم‌ترین قسمت فرایند تحلیل سلسله مراتبی به حساب می‌آید زیرا در این قسمت با تجزیه مسائل مشکل و پیچیده، فرایند سلسله مراتبی آنها را به شکلی ساده، که با ذهن انسان مطابقت داشته باشد، تبدیل می‌کند. به عبارتی فرایند تحلیل سلسله مراتبی مسائل پیچیده را از طریق تجزیه آن به عناصر جزئی که به صورت سلسله مراتبی به هم مرتبط بوده و ارتباط هدف اصلی مسئله با پایین‌ترین سطح سلسله مراتبی مشخص است را به شکلی ساده‌تری در می‌آورد (جعفری‌گلو و مبارکی، ۱۳۸۷).



شکل شماره ۳. ساختار سلسله مراتبی اولویت‌بندی معیارهای مؤثر مکان‌یابی صنایع تبدیلی و تکمیلی خرما در شهرستان آبادان مقایسه‌های زوجی

در این مرحله معیارها یا فاکتورها به صورت دو به دو با یکدیگر مقایسه می‌شوند. به عنوان مثال در اولویت‌بندی معیارهای مؤثر مکان‌یابی صنایع تبدیلی و تکمیلی خرما در شهرستان آبادان، معیار شرایط جغرافیایی دو برابر معیار سطح دسترسی به بازار از ارجحیت برخوردار می‌باشد. در آن صورت ماتریس مقایسه دوجه دویی این دو معیار به شکل زیر خواهد بود:

جدول ۱. ماتریس مقایسه دوجه دویی

معیار	شرایط جغرافیایی	دسترسی به بازار
شرایط جغرافیایی	۱	۲
دسترسی به بازار	$\frac{1}{2}$	۱

ارزش ۲ در سطر اول ستون دوم بیانگر این است که هنگام انتخاب معیارهای مؤثر مکان‌یابی صنایع تبدیلی و تکمیلی خرما، عامل شرایط جغرافیایی از نظر تصمیم‌گیرنده، دو برابر عامل میزان دسترسی به بازار ارجحیت دارد. در ستون اول سطر دوم، معکوس عدد ۲ یعنی $\frac{1}{2}$ درج شده و به معنای این است که هنگام انتخاب معیارهای مؤثر مکان‌یابی صنایع تبدیلی و تکمیلی خرما از سوی تصمیم‌گیرنده، عامل میزان سطح دسترسی به بازار نصف عامل شرایط جغرافیایی ارجحیت دارد. قطر ماتریس عدد ۱ و به معنی ارجحیت مساوی یک عامل یا گزینه نسبت به خودش است. پس از تعیین وزن نسبی معیارها توسط خبرگان با استفاده از میانگین هندسی، وزن هر معیار نسبت به معیار دیگر تعیین می‌گردد.

استخراج اولویت‌ها از جدول‌های مقایسه گروهی و انتخاب بهترین گزینه

در این مرحله وزن نسبی عوامل هر سطح از سطوح سلسله مراتب مدل محاسبه می‌شود. بدین منظور از مفهوم نرمال‌سازی و میانگین موزون استفاده و پس از نرمال کردن، از مقادیر هر سطر میانگین موزون گرفته می‌شود. مقادیر حاصل از میانگین موزون نشان‌دهنده اولویت (درجه اهمیت) گزینه رقیب است.

محاسبه نرخ سازگاری^۳ (CR)

مرحله چهارم، محاسبه نرخ سازگاری است. نرخ سازگاری مکانیزمی است که میزان اعتماد به اولویت‌های به دست آمده را نشان می‌دهد. به طوری که اگر نرخ سازگاری کمتر از ۰/۱ باشد می‌توان سازگاری مقایسه‌ها را پذیرفت، در غیر این صورت باید در قضاوت‌ها تجدید نظر کرد و مقایسه‌ها دوباره انجام گردد.

تعیین وزن معیارها

برای تعیین وزن معیارها، آنها را به صورت دوجه دویی با هم مقایسه می‌کنیم. برای مثال در اولویت‌بندی انتخاب معیارهای مؤثر مکان‌یابی صنایع تبدیلی و تکمیلی خرما در شهرستان آبادان، برای تعیین آنکه معیار شرایط جغرافیایی دارای اهمیت بیشتر است یا میزان دسترسی به بازار، یک جدول ۹ کمیتی مبنای مقایسه قرار می‌گیرد (جدول ۳) که براساس آن و با توجه به هدف بررسی، a_{ij} شدت برتری معیار i نسبت به معیار j تعیین می‌شود. به همین روال تمام معیارها دو به دو با هم مقایسه می‌شود. از آنجا که در این مسئله ۸ معیار انتخاب شده، لذا باید ۴۸ قضاوت (Teknomo, ۲۰۰۶: ۵۶) انجام شود.

مقایسه‌های زوجی در یک ماتریس $n \times n$ ثبت می‌شود که ماتریس دودویی معیارها نامیده می‌شوند. عناصر این ماتریس همگی مثبت و با توجه به اصل شرط معکوس در فرایند تحلیل سلسله مراتبی که اگر ترجیح عنصر A بر عنصر B برابر n

^۳ Consistency Ratio

باشد، ترجیح عنصر B بر عنصر A برابر $\frac{1}{2}$ خواهد بود (توکلی و همکاران، ۱۳۸۸: ۴۵). بنابراین در هر مقایسه زوجی، دو مقدار عددی a_{ij} و $\frac{1}{a_{ij}}$ را خواهیم داشت. در این تحقیق با توجه به وجود ۹ معیار، یک ماتریس 9×9 خواهیم داشت. ماتریس مقایسه زوجی معیارها برای مسئله مورد نظر به صورت زیر ارائه شده است:

جدول ۲. ماتریس مقایسه‌ی زوجی معیارها نسبت به هدف تحقیق

معیار	شرایط جغرافیایی	دسترسی به مواد اولیه	شبکه حمل و نقل	سودآوری اقتصادی	قیمت زمین	دسترسی به منابع انرژی	دسترسی به نیروی کار	دسترسی به بازار
شرایط جغرافیایی		۳/۰۲	۱/۵۹	۴/۱۵	۱/۹۵	۱/۶	۱/۴۶	۱/۷۲
دسترسی به مواد اولیه			۱/۵	۱/۳۴	۱/۵	۱/۲۷	۱	۱/۷۹
شبکه حمل و نقل				۴/۳۴	۱/۵	۲/۱۸	۱/۳۷	۲/۲۴
سودآوری اقتصادی					۱	۱/۱۶	۱/۱۶	۱/۴۴
قیمت زمین						۱/۹۳	۲/۱	۲/۲۷
دسترسی به منابع انرژی							۱/۶۹	۲/۲۴
دسترسی به نیروی کار								۳
دسترسی به بازار								

منبع: یافته‌های تحقیق ۱۳۹۷* نشان‌دهنده معکوس عدد می‌باشد.

برای محاسبه وزن نهایی معیارهای مؤثر بر مکان‌یابی صنایع تبدیلی و تکمیلی خرما در شهرستان آبادان از فرمول میانگین هندسی استفاده شده است (جدول ۳). یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که معیار شرایط جغرافیایی با ضریب اهمیت ۰/۲۲۲ و دسترسی به شبکه حمل و نقل با ضریب اهمیت ۰/۱۶۴ و قیمت زمین با ضریب اهمیت ۰/۱۴۸ نسبت به سایر معیارهای مورد مطالعه در اولویت‌یابی مکانی برای استقرار صنایع تبدیلی خرما در شهرستان آبادان دارای اهمیت بیشتری می‌باشند (شکل ۴).

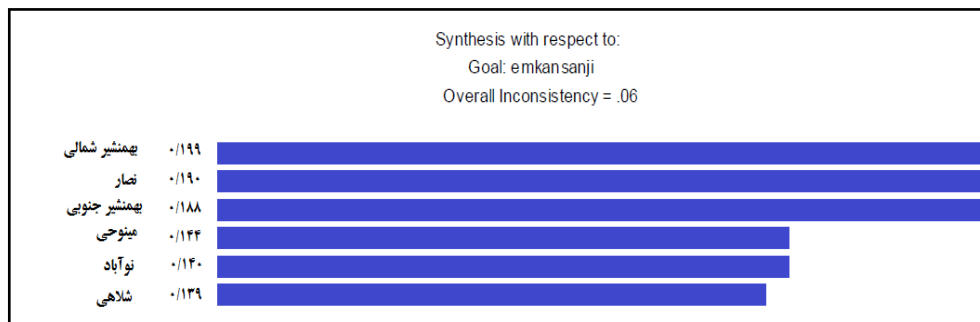


شکل ۴. وزن نهایی معیارهای مؤثر در مکان‌یابی صنایع تبدیلی و تکمیلی خرما در شهرستان آبادان

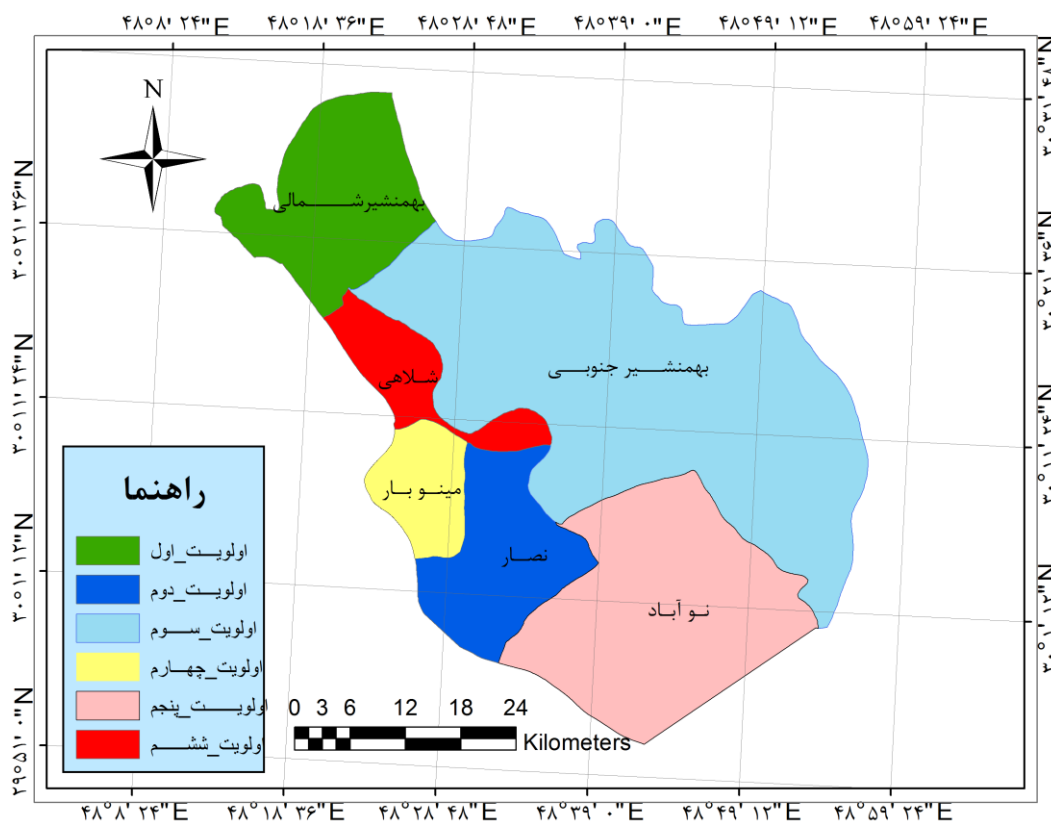
تعیین اولویت نهایی

در مرحله پایانی برای بدست آوردن وزن نهایی گزینه‌ها لازم است تا عمل تلفیق صورت گیرد، نتایج حاصل از تلفیق معیارها و گزینه‌های مربوط به مکان‌یابی صنایع تبدیلی و تکمیلی خرما در شهرستان آبادان در نمودار ۱۴ نشان داده شده است. از بین گزینه‌های مربوط به مکان‌یابی صنایع تبدیلی و تکمیلی خرما مورد مطالعه، بهمنشیر شمالی با نسبت ۰/۱۹۹ از

اهمیت بیشتری نسبت به سایر عوامل برخوردار بوده و در مقابل گزینه شلاهی با نسبت ۰/۱۳۹ از کمترین اولویت برخوردار می‌باشد. همچنین، نتایج رتبه‌بندی دهستان‌های مورد مطالعه به طور کلی در شکل شماره ۱۳ نشان داده شده است.



شکل ۵. گزینه‌ی نهایی مکان‌یابی صنایع تبدیلی و تکمیلی خرما در شهرستان آبادان با توجه به معیارها و هدف



شکل ۶. گزینه‌ی نهایی مکان‌یابی صنایع تبدیلی و تکمیلی خرما در شهرستان آبادان با توجه به معیارها و هدف

جهت بررسی تأثیر ایجاد صنایع تبدیلی خرما بر توسعه روستایی در مناطق مورد مطالعه از ۱۶ گویه در سطح لیکرت استفاده گردید. سپس اطلاعات لازمه با استفاده از نظر کشاورزان مورد مطالعه جمع‌آوری و با استفاده از آزمون t تک نمونه‌ای مورد بررسی قرار گرفت. بر اساس نتایج حاصل از آزمون T تک نمونه‌ای، میانگین سطح تأثیر ایجاد صنایع تبدیلی خرما بر توسعه روستایی عدد ۴/۳۸ که بالاتر از میانگین امتیاز سطح تأثیر ایجاد صنایع تبدیلی فرضی توسعه روستایی (عدد ۳) حاصل شد. به این معنا که تأثیر ایجاد صنایع تبدیلی خرما بر توسعه روستایی در منطقه مورد مطالعه از نظر کشاورزان مورد

مطالعه در حد بالاتر از متوسط ارزیابی شد (جدول ۳ و ۴). بنابراین با توجه به موارد گفته شده فرض تحقیق مبنی بر تأثیر ایجاد صنایع تبدیلی خرما بر توسعه روستایی پذیرفته می شود.

جدول ۳. فراوانی و درصد فراوانی سطح تأثیر ایجاد صنایع تبدیلی خرما بر توسعه روستایی

سطح تأثیر	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی تجمعی
خیلی کم	۵	۲/۵	۲/۵
کم	۴	۲	۴/۵
متوسط	۲۱	۱۰/۶	۱۵/۱
زیاد	۴۹	۲۴/۶	۳۹/۷
خیلی زیاد	۱۲۰	۶۰/۳	۱۰۰
جمع کل	۱۹۹	۱۰۰	-

منبع: یافته‌های تحقیق ۱۳۹۵ = ۴/۳۸ = میانگین = ۰/۹۳۴ = انحراف معیار = ۵ = حداکثر = ۱ = حداقل

جدول ۴. نتایج آزمون t تک‌نمونه‌ای سطح تأثیر ایجاد صنایع تبدیلی خرما بر توسعه روستایی

Test Value = ۳						توسعه روستایی
۹۵٪ Confidence Interval of the Difference		اختلاف میانگین	Sig	میانگین	df	
حد پایین	حد بالا	۱/۳۸	۰/۰۰۰	۴/۳۸	۱۹۸	۲۰/۸۵
۱/۲۵	۱/۵۱					

منبع: یافته‌های تحقیق ۱۳۹۷

نتیجه گیری

امروزه توسعه روستایی یکی از مباحث مهم در توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورها محسوب میشود. این در حالی است که روستائیان از وجود برخی مشکلات مانند بیکاری، کمبود درآمد، فقر، کاهش سطح کیفی زندگی و مشکلاتی از این دست رنج میبرند. در این زمینه به نظر می رسد صنعت به عنوان اصلی ترین ابزار در توسعه و بخصوص توسعه مناطق عقب مانده نقش محوری را به خود اختصاص داده و میتواند به حل این مشکلات کمک کند. صنایع تبدیلی و تکمیلی، عاملی اساسی در فرآوری محصولات کشاورزی است. زیرا از یک سو ارزش افزوده محصولات اولیه بخش کشاورزی را ارتقا میدهد و از سوی دیگر محصولاتی به بازار ارایه میکند که با استفاده از تکنولوژی مدرن به دست آمده اند و حجم ضایعات محصولات کشاورزی را کاهش میدهد. ایجاد صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی علاوه بر این که بهترین پیوند دهنده و برقرارکننده ارتباطات بین دو بخش صنعت و کشاورزی است، از میزان بیکاری های دائمی و فصلی در مناطق روستایی می کاهد و منجر به افزایش تولیدات، بهره وری، ایجاد فرصتهای شغلی، تأمین نیازهای اساسی، پیوند با دیگر بخشهای اقتصادی و کاهش نابرابریهای منطقه ای نیز میشود. یافته های پژوهش نشان می دهد همان طور که شرح داده شد برای بررسی مناسب ترین مکان برای استقرار صنایع تبدیلی و تکمیلی خرما در شهرستان آبادان از ۸ معیار شرایط جغرافیایی، دسترسی به مواد اولیه، شبکه حمل و نقل، سودآوری اقتصادی، قیمت زمین، دسترسی به منابع انرژی، دسترسی به نیروی کار و دسترسی

به بازار و ۶ دهستان یا گزینه بهمنشیر جنوبی، بهمنشیر شمالی، شلاهی، مینوحی، نصار و نوآباد استفاده شد. سپس با استفاده از نظرات کارشناسان و مدل تحلیل سلسله مراتبی (AHP) به بررسی مناسب ترین مکان برای استقرار صنایع تبدیلی و تکمیلی محصول خرما در شهرستان آبادان پرداخته شد. همان طور که نشان داده شده است، از بین گزینه های (دهستان های مورد نظر) مربوط به مکان یابی صنایع تبدیلی و تکمیلی خرما مورد مطالعه، دهستان بهمنشیر شمالی با نسبت ۰/۱۹۹ از اهمیت بیشتری نسبت به سایر عوامل برخوردار بوده و در مقابل گزینه شلاهی با نسبت ۰/۱۳۹ از کمترین اولویت برخوردار می باشد. جهت بررسی تأثیر ایجاد صنایع تبدیلی خرما بر توسعه روستایی در مناطق مورد مطالعه از ۱۶ گویه در سطح لیکرت استفاده گردید. سپس اطلاعات لازمه با استفاده از نظر کشاورزان مورد مطالعه جمع آوری و با استفاده از آزمون t تک نمونه ای مورد بررسی قرار گرفت. بر اساس نتایج حاصل از آزمون T تک نمونه ای، میانگین سطح تأثیر ایجاد صنایع تبدیلی خرما بر توسعه روستایی عدد ۴/۳۸ که بالاتر از میانگین امتیاز سطح تأثیر ایجاد صنایع تبدیلی فرضی توسعه روستایی (عدد ۳) حاصل شد. به این معنا که تأثیر ایجاد صنایع تبدیلی خرما بر توسعه روستایی در منطقه مورد مطالعه از نظر کشاورزان مورد مطالعه در حد بالاتر از متوسط ارزیابی شد. بنابراین با توجه به موارد گفته شده فرض تحقیق مبنی بر تأثیر ایجاد صنایع تبدیلی خرما بر توسعه روستایی پذیرفته می شود.

این پژوهش نتایج یافته ها پژوهش های قبلی را تایید می کند و براین نکته تاکید دارد که در مناطقی از کشور که از کشاورزی مناسب برخوردار می باشند بهترین گزینه ایجاد صنایع تبدیلی و تکمیلی در این مناطق می باشد. به طور کلی اثرات عمده صنعتی شدن روستاها عبارتند از: ایجاد اشتغال پویا و افزایش درآمد؛ کاهش مهاجرتهای روستایی؛ کاهش نابرابریهای منطقه ای؛ افزایش رفاه روستایی؛ گسترش صادرات روستایی. به رغم تمامی منافع حاصل از صنایع روستایی، این صنایع با چالش های زیادی در سطح کشور روبرو هستند، از چالش های عمده فراروی توسعه صنایع روستایی می توان به پراکندگی زیاد روستاها در سطح کشور، شرایط نامناسب اقلیمی، ضعف نیروی انسانی، نارسایی سیستم های اقتصادی، فقدان امکانات مشاوره ای اشاره کرد.

در پژوهش ظاهری و همکاران، (۱۳۹۴) به این نتیجه رسیده اند که در شهرستان آذر شهر بایستی صنایع مرتبط با فرآوری محصولات لبنی به دلیل مازاد تولید بیش تر و نیز مشکل فسادپذیری سریع این محصولات و پس از آن صنایع تبدیلی و تکمیلی مرتبط با محصولات باغی به دلیل نقش پر اهمیت آن ها در استفاده بهینه از محصولات کشاورزی تولیدی منطقه در اولویت قرار گیرند. همچنین در پژوهش اکبرپور و همکاران (۱۳۹۴) چنین نتیجه گرفته اند که عرضه محصولات کشاورزی قابل اتکا برای صنایع تبدیلی را در شکل گیری و گسترش آنها موثر بوده است و رابطه معنی داری وجود دارد اما با این وجود تحولات اقتصادی شهر عمدتاً در راستای بخش خدمات و بی ارتباط با بخش کشاورزی و صنعت بوده، و موجب عدم تعادل و توازن در فضای اقتصادی شهر روانسر و حوزه نفوذ آن شده است. ولی در این پژوهش به اولویت بندی دهستانهای شهرستان آبادان از نظر بهترین مکان جهت ایجاد صنایع تبدیلی خرما پرداخته شده است.

منابع:

- احمد زاده، سهام و مستعان، احمد، (۱۳۹۶)، عوامل پیش برنده و بازدارنده ایجاد و توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی خرما در استان خوزستان، مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال ۲۵، شماره ۹۷، صص ۱۸۳-۲۱۷.

- اقبالی، جمشید؛ کلانتری، خلیل و مطیعی، ناصر، (۱۳۹۴)، نقش صنایع تبدیلی و تکمیلی در کشاورزی و توسعه امنیت غذایی پایدار، و مین همایش ملی انجمن های علمی - دانشجویی رشته های کشاورزی و منابع طبیعی پرديس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران.
- اقبالی، جمشید؛ کلانتری، خلیل و مطیعی، ناصر، (۱۳۹۴)، نقش صنایع تبدیلی و تکمیلی در کشاورزی و توسعه امنیت غذایی پایدار، سومین همایش ملی انجمن های علمی - دانشجویی رشته های کشاورزی و منابع طبیعی پرديس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران.
- اکبرپور، محمد؛ احمدی، ایوب و نوری، مجتبی، (۱۳۹۴)، نقش کشاورزی مستعد در ایجاد صنایع خرد، تبدیلی و تکمیلی در راستای توسعه پایدار شهر روانسر، اولین همایش ملی تخصصی علوم کشاورزی و محطی زیست ایران، تهران.
- بلالی، حمید؛ سعدی، حشمت اله . قزوینه، سارا، (۱۳۹۴)، اولویت بندی سرمایه گذاری برای توسعه صنایع تبدیلی کشاورزی بابه گیری از روش دلفی (مطالعه موردی شهرستان همدان، مجله پژوهش و برنامه ریزی روستایی، سال ۴، شماره ۱، شماره پیاپی ۳، صص ۱۵۹-۱۴۹).
- پاپلی یزدی، محمدحسین و ابراهیمی، محمدمیر، (۱۳۹۰)، نظریه های توسعه روستایی. تهران: انتشارات سمت.
- پور رمضان، عیس پور؛ آمار، تیمور و اکبری، زهرا، (۱۳۹۱)، امکان سنجی استقرار صنایع کوچک تبدیلی کشاورزی یا استفاده از مدل سوات مزالعه موردی روستاهای بخش مرکزی رشت، فصلنامه نگرشهای نو در جغرافیای انسانی سال چهارم، شماره ۴، صص ۱۱۹-۱۰۱.
- توفیق، علی اصغر (۱۳۷۸): تصمیم سازی برای مدیران، سازمان مدیریت صنعتی، تهران.
- حاتمی فرد، سويل (۱۳۹۰)، بررسی عوامل موثر بر بهره برداری نرسیدن صنایع تبدیلی و تکمیلی در استان زنجان، مجله تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، دوره ۲- ۴۲، شماره ۳، صص ۴۲۱-۴۱۳.
- خواجه شاهکوهی، علیرضا؛ حسام، مهدی؛ چراغی، مهدی و آشور، حدیثه، (۱۳۹۲)، مکانیابی و اولویتبندی استقرار صنایع تبدیلی کشاورزی در استان گلستان، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال دوم، شماره ۴، صص ۴۱-۲۵.
- زبردست، اسفندیار (۱۳۸۰): کاربرد فرآیند تحلیل سلسله مراتبی در برنامه ریزی شهری و منطقه ای، ایجاد هنرهای زیبا، سال اول، شماره ۱۰، صص ۲۱-۱۳.
- رحمانیان کوشککی، مهدی، مهدوی حاجیلویی، مسعود و خالدی، شهریار، (۱۳۹۵)، تحلیل عوامل پیش برنده و موانع فراری توسعه کارآفرینی روستایی با تاکید بر صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی: مطالعه موردی بخش کامفیروز شهرستان مرودشت، فصلنامه علمی پژوهشی نگرش های نو در جغرافیای انسانی، سال ۹، شماره ۱، صص ۵۳-۷۰.
- رضوانی، محمدرضا. ، (۱۳۹۰)، برنامه ریزی توسعه روستایی در ایران. تهران: نشر قومس
- شکور، علی، کریمی قطب آبادی، فضل اله، (۱۳۹۴)، اولویت بندی استقرار صنایع روستایی در شهرستان مرودشت با استفاده از شاخص مرکزیت و مدل AHP (فصلنامه برنامه ریزی منطقه ای، سال پنجم، شماره ۱۸، صص ۵۴-۲۶).
- ظاهری، محمد؛ آقایی هیر، محسن و ذاکری میاب، کلثوم، (۱۳۹۴)، اولویت بندی صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی در شهرستان آذرشهر با روش ترکیبی دلفی و تاپسیس، مجله جغرافیا و برنامه ریزی، سال ۱۹، شماره ۵۱، صص ۲۴۶-۲۲۱.
- مطیعی لنگرودی، حسن. و نجفی کانی، علی، (۱۳۹۰)، توسعه و صنعتی سازی روستا (نظریه ها، روش ها و راهبردهای توسعه صنعتی) انتشارات دانشگاه تهران.
- موسوی نژاد، مبرحسین، (۱۳۹۴)، نقش صنایع کوچک و تبدیلی و تکمیلی در توسعه اقتصادی مناطق روستایی مطالعه موردی شهرستان ملایر، اولین همایش ملی گردشگری، جغرافیا و محیط زیست پاک، دانشگاه بوعلی همدان، صص ۱۰-۱.

مهدوی، مسعود؛ بارانی پسیان، وحید؛ مدبر خاک نژاد، علی و یاهک، سجاد، (۱۳۸۹)، امکان سنجی توسعه صنایع روستایی در شهرستان عجب شیر با مدل سوات، مجله توسعه روستایی، دوره ۱، شماره ۲، صص ۷۹-۱۰۵.

• نادری مهدی، کریم؛ محمودیان، حمید و سعدی، حشمت اله، (۱۳۹۳)، تأثیر صنایع تبدیلی کشاورزی بر وضعیت زندگی مطالعه موردی: روستاهای شهرستان بهار، فصلنامه راهبردهای توسعه روستایی جلد ۱، شماره ۴، صص ۵۹-۴۳.

• نوری، آذر؛ صفرییرانوند، پریسا و ابوالخانی، علی، (۱۳۹۴)، اولویت بندی استقرار صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی در استان لرستان، کنفرانس بین المللی فرصت های سرمایه گذاری در استان لرستان، صص ۲۵۷-۲۴۹.

• نوری، آذر؛ صفرییرانوند، پریسا و ابوالخانی، علی، (۱۳۹۴)، اولویت بندی استقرار صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی در استان لرستان، کنفرانس بین المللی فرصت های سرمایه گذاری در استان لرستان، صص ۲۵۷-۲۴۹.

- Ampadu-Ameyaw, R. and Omari, R. (۲۰۱۵) Small-Scale Rural Agro-processing Enterprises in Ghana: Status, Challenges and Livelihood Opportunities of Women; *Journal of Scientific Research & Reports*, ۶(۱): ۶۱-۷۲.
- Berdegue, julioa and Eduardo Ramirez & Thomas Reardon (۲۰۱۰); "Rural Nonfarm Employment and incomes in chile", *World Development* vol ۲۹, no.۳, pp ۴۱۱-۴۲۵.
- FAO. (۲۰۱۱) . The agroprocessing industry and economic development. Available www.fao.org/docrep/w۰۸۰۰e/w۰۸۰۰e۱۲.htm (Last access: ۲۶ November ۲۰۱۳).
- Kachru, R.P. (۲۰۱۱) . Agro-Processing Industries in India—Growth. Status and Prospects, Available at <http://agricoop.nic.in/Farm/۲۰Mech.%۲۰PDF/۰۵۰۲۴-۰۶.pdf> (Last access: ۸ July ۲۰۱۳).
- Mehta, G.S. ۲۰۱۲. Agro-Processing Industry in Uttar Pradesh. Planning Commission Government of India. New Delhi.
- Minakshi, G. (۲۰۱۵). AGRO processing in changed scenario of globalisation-a silent but robust opportunity. *ACADEMICIA: An International Multidisciplinary Research Journal*, ۵(۳), ۳۵۵-۳۶۱.
- Owusu, V., Abdulai, A. and Abdul-Rahman, S. (۲۰۱۱) . Non-farm work and food security among farm households in Northern Ghana. *Food Policy*, ۳۶: ۱۰۸-۱۱۸.
- Sharma, K.D., Pathania, M.S. and Lal, H. (۲۰۱۰). Value Chain Analysis and Financial Viability of Agro-Processing Industries in Himachal Pradesh. *Agricultural Economics Research Review*, ۲۳: ۵۱۵-۵۲۲.

Prioritization of Date and Date Processing Industries in Abadan County Districts

Abstract

The emergence of new opportunities for local and regional development depends on the use of an important instrument of industrial development. The transformation and complementary process of effective factors in the development of agriculture and rural areas, as well as the creation of sustainable employment, reduction of agricultural products and, ultimately, food security. Development of this Industry in rural areas can play an important role in rural development, given the available facilities. The purpose of this research is to select the best optimum location for creating conversion and complementary industries among the districts of Abadan. This research is descriptive-analytic. To select the sample in the population of the households of Abadan rural districts, a random sample of ۲۰۶ people was selected as the sample size using the Cochran formula. In the statistical population of agricultural experts, a sample size of ۳۰ people has been sampled randomly. In analyzing information from the AHP model. T test was used. The results of the research according to the AHP model indicate that the North Bahamashir district with a ratio of ۰,۱۹۹ is more important than other factors and in comparison with the Shahlah village with a ratio of ۰,۱۳۹ has the lowest priority . Also, according to the t-test, the effect of date conversion industries on rural development in the study area was higher than the average for the studied farmers.

Key words: " The prioritization ", " conversion and supplementary Industries", ' date palm", "model AHP", "city of Abadan"